

مبانی نظری سیاست جنایی اسلام در برابر مفاسد اقتصادی

تاریخ دریافت: ۹۶/۱/۲۳

تاریخ تأیید: ۹۶/۴/۲۵

محمد حسنی*

۸۲

حقوق اسلامی / سال چهارم / شماره ۵۵ / زمستان ۱۳۹۶

چکیده

با گذشت نزدیک به دو دهه از شیوع کاربرد اصطلاح «مفاسد اقتصادی» افزون بر ابهام در معناشناختی مفاسد اقتصادی، مبنای مبارزه با آن نیز به درستی تبیین نشده است. این دو نقص سبب شده تا سیاست جنایی مشخصی در برابر این پدیده مجرمانه وجود نداشته باشد. آشفتگی، پراکندگی و عدم انسجام در مقررات کیفری، حکایت از فقدان سیاست جنایی و استراتژی مشخص در برابر مفاسد اقتصادی دارد. نوشتار پیش رو با روش مطالعه نهادی با ارائه تعریفی از مفاسد اقتصادی، وجه تمایز آن را با عنوان‌های مشابه مشخص می‌کند و در پی آن، مبنای سیاست جنایی اسلام و جمهوری اسلامی ایران در برابر این بزه را حفاظت از امنیت اقتصادی معرفی می‌کند که ترکیبی از مؤلفه‌های گوناگون اقتصادی و محیط اقتصادی مانند عدالت اقتصادی و امنیت قضایی بوده و افزون بر داشتن پشتوانه دینی، سابقه در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران را نیز دارد.

واژگان کلیدی: مفاسد اقتصادی، اخلال در نظام اقتصادی، امنیت اقتصادی، عدالت اقتصادی، امنیت قضایی.

*. عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه عدالت (mo.hasani@yahoo.com).

الف) مفهوم شناسی

سیاست جنایی

در اواخر قرن هیجدهم و در آغاز مطرح شدن سیاست جنایی، یک مفهوم مضیق از آن ارائه شد که براساس آن، مجموعه شیوه‌های سرکوب‌گرانه که دولت با به‌کارگیری آن‌ها با جرم مبارزه می‌کند سیاست جنایی خوانده می‌شد. این مفهوم مضیق امروزه سیاست کیفری خوانده می‌شود نه سیاست جنایی و به‌عبارت دیگر سیاست کیفری همان تعبیر مضیق از سیاست جنایی در گذشته بوده است.

اما در سال‌های واپسین از سوی اندیشه‌وران این شاخه از علم حقوق، تفسیری موسع از سیاست جنایی ارائه شد که هم متولیان و هم شیوه‌های به‌کار برده شده در مفهوم مضیق، تعمیم یافته است؛ از این‌رو متولی سیاست جنایی منحصر در دولت نیست و شیوه‌ها، فقط واکنش‌های کیفری پسینی نمی‌باشد. به این ترتیب سیاست جنایی در مفهوم موسع، به مجموعه شیوه‌ها و روش‌هایی گفته می‌شود که به‌وسیله آن، مجموعه دولت و جامعه مدنی پاسخ‌های کیفری و غیرکیفری خود را به پدیده مجرمانه سازمان‌دهی می‌کند (دل‌ماس مارتی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۳ / حسینی، ۱۳۸۳، ص ۲۷).

فساد اقتصادی

با این‌که بیش از دو دهه، اصطلاح فساد اقتصادی در ادبیات حقوقی و قضایی و نیز در کلمات کارگزاران تکرار می‌شود اما در قانون‌ها، تعریفی از آن ارائه نشده و مصداق‌های آن نامشخص و بالتبع یک سیاست جنایی مشخص و کارآمد در برابر این پدیده وجود نداشته است؛ البته در برخی نوشته‌های حقوقی، تحصیل خارج از ضوابط اموال، امکانات و امتیازهای دولتی یا بخش عمومی از سوی هر شخص به میزان کلان با نصاب معین و سوءاستفاده مستقیم یا غیرمستقیم از اختیارها، مقام و موقعیت شغلی یک شخص مستخدم در یک نهاد دولتی یا عمومی را مفاسد اقتصادی گفته‌اند (دادخدایی،

۱۳۹۰، ص ۱۶۶). این تعریف در حقیقت بسط و گسترش مفهومی جرم فساد مالی می‌باشد که با فساد اقتصادی متفاوت است که به آن اشاره می‌شود.

ابتدا در قانون تعزیرات حکومتی (مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام) عنوان اخلال در نظام اقتصادی مطرح شد؛ پس از آن قانون مجازات اخلاصگران در نظام اقتصادی کشور در سال ۱۳۶۹ به تصویب رسید و همان‌گونه که در نظریه ۷/۸۶۰۷-۱۷/۱۱/۱۳۸۳ اداره حقوقی قوه قضائیه تصریح شده، در این قانون تعریفی از این جرم ارائه نشده و فقط به بیان برخی از مصداق‌های آن پرداخته شده است. در ماده دو این قانون، اخلال در نظام اقتصادی در صورتی که به قصد ضربه‌زدن به نظام جمهوری اسلامی باشد یا با آگاهی بر اثرگذاری آن در مقابله با نظام باشد از مصداق‌های افساد فی‌الارض شمرده شده است. سرانجام در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی افساد فی‌الارض به صورت مبهم تعریف و اخلال در نظام اقتصادی از مصداق‌های افساد فی‌الارض قرار داده شده است. در تبصره این ماده اخلال در نظام اقتصادی مانند دیگر مصداق‌های افساد به احراز قصد مرتکب از سوی دادگاه منوط شده و در عمل کارایی این ماده را سلب کرده است. برای دست‌یابی به یک تعریف قابل قبول، ابتدا لازم است معنای فساد، اقتصاد، نظام اقتصادی و اخلال در آن به‌طور اجمالی مطالعه شود تا زمینه برای رسیدن به تعریف فساد اقتصادی فراهم شود.

۱. فساد

با دقت در معانی گوناگون این کلمه (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۱، ص ۱۷۱۵۰/زیبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۵۳/ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۲۶۸)، این نکته روشن می‌شود که همه این معانی در یک معنای جامع و کلی اشتراک دارند، به عبارت دیگر هر یک از معانی بیان‌شده، مصداقی از مفهوم کلی فساد هستند. این معنای جامع عبارت است از خروج از حالت اعتدال و حصول اختلال در نظم یک چیز می‌باشد که این خارج‌شدن ممکن است اندک یا زیاد باشد و می‌تواند در نفس انسان یا در اشیای بیرونی، در نظام تکوینی یا تشریحی مانند اخلال در احکام، قانون‌ها و آیین‌نامه‌های اسلامی؛ بروز کند (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۶۳۷/مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹، ص ۸۵).

مجموعه برنامه‌های تشریحی اسلام برای اصلاح اخلاق و تأمین سعادت دنیوی و اخروی انسان است که انسان‌ها و جامعه بشریت در اثر عمل به این برنامه‌ها و بایدها و نبایدها، حالتی معتدل پیدا می‌کند و هر گونه مخالفت با این برنامه‌های اعلام‌شده، خروج از حالت اعتدال و بیرون‌رفتن از راه حق خواهد بود و عمل بیان‌شده به‌عنوان فساد توصیف می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۹۷).

در زبان انگلیسی نیز واژه «Corruption» اسم و به معنای فساد بوده و فعل آن «Corrupt» است که در اصل به معنای از حالت خوب به حالت بد در آمدن می‌باشد (آریان‌پور، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۱۳۸). این واژه از ریشه لاتینی «Corruptere» بوده که به معنای شکستن یا نقض کردن است (Simpson, 1991, 3, p973) و آن چیز شکسته یا نقض شده می‌تواند قانون‌ها و آیین‌نامه‌ها باشد (تانزی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۲).

معنای لغوی فساد با مفهوم اصطلاحی آن مرتبط و سازگار است؛ البته با این توضیح که هر گاه این واژه به کلمه دیگری اضافه می‌شود معنای انحراف و خروج از حالت اعتدال، بر حسب مضاف‌الیه، متفاوت شده و معانی گوناگونی را پیدا می‌کند؛ مانند فساد مالی، فساد جنسی، فساد اقتصادی و....

۲. نظام اقتصادی

اقتصاد شاخه‌ای از علوم اجتماعی است و رسالتش مطالعه درباره افراد و سازمان‌های است که به تولید و مبادله و مصرف کالاها و خدمات مشغول هستند اما برای تسهیل در تحلیل‌های اقتصادی، بحث‌های اقتصاد را از نظر موضوعی در دو بخش یعنی اقتصاد خرد و اقتصاد کلان بررسی می‌کنند. در اقتصاد خرد، رفتار اقتصادی و انفرادی واحدهای تصمیم‌گیرنده مانند خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی مطالعه می‌شود. به‌طور کلی در پی این پرسش است که؛ اولاً، مدیریت و تخصیص منابع مانند وقت و درآمد باید چه سازوکاری داشته باشد؛ ثانیاً، این منابع چگونه هزینه شود تا دسترسی به سود بیشتر فراهم شود اما در اقتصاد کلان مسائل کلی اقتصاد مانند درآمد، رشد و تولید و ارتباط متقابل بخش‌های گوناگون اقتصاد بررسی می‌شود و با تحلیل و مطالعه رفتار و عملکرد عمومی و کلی اقتصاد در پی توسعه سیاست‌هایی در جهت کاستن از مشکلاتی

مانند تورم، بیکاری و اتلاف منابع در سطح ملی است (روزبهان، ۱۳۸۰، ص ۷).
 واژه «نظام» که در رشته‌های گوناگون علوم کاربرد دارد، سه رکن اجزا، هدف‌ها و رابطه اجزا با یکدیگر در جهت هدف‌های نهفته است. نظام براساس نوع اجزا، هدف‌ها و نوع ارتباط بین اجزا به انواع گوناگونی مانند نظام حقوقی، نظام رفتاری یا اقتصادی قابل تقسیم است. از نظام اقتصادی تعریف‌های گوناگونی ارائه شده که اختلاف آن‌ها به‌طور عمده به تعیین اجزا و هدف‌های نظام اقتصادی برگشت دارد. نظام اقتصادی با توجه به نظام و اقتصاد چنین تعریف شده است:

نظام اقتصادی عبارت از است از مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری و روابط اقتصادی که شرکت کنندگان در نظام را به یکدیگر و به اموال و منابع پیوند می‌دهد و براساس مبانی بینشی و ارزشی مشخص، در جهت مقاصد معینی به‌صورت هماهنگ سامان یافته است.

بر اساس این تعریف، نظام اقتصادی یک نظام رفتاری است و عناصر آن رفتارها و روابط ارادی انسان‌ها در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف است؛ رفتارهای مانند مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید و روابطی مانند خرید و فروش، مشارکت و... است که در ارتباط با منابع اقتصادی و اموال شکل می‌گیرد (میرمعزی، ۱۳۸۹، ص ۳۹-۳۳).

۳. اخلال در نظام

در متن‌های فقهی اصطلاح خاصی درباره اخلال یا اختلال ندارد و منظور فقیهان در کاربرد این واژگان، معانی عرفی آن‌هاست و بیشتر در برابر حفظ نظام از تعبیر اخلال به نظام استفاده می‌کنند؛ بنابراین اخلال به معنای انجام رفتار و ترک رفتارهایی است که با مصالح عام اصطکاک داشته و باعث نادیده‌گرفتن آیین‌نامه‌های حاکم بر آن نظام می‌شود (علی‌دوست، ۱۳۸۸، ص ۱۲۶).

با توجه به تعریف و مفهوم واژگان یادشده، فساد اقتصادی عبارت از سوءاستفاده از قدرت امانی و اخلال در نظام اقتصادی یعنی رفتارها و روابط اقتصادی در هر سه حوزه تولید، توزیع و مصرف، در سطح کشور است. در این تعریف ویژگی‌های چندی نهفته است:

۱. سوءاستفاده و انجام فعل یا ترک فعل برخلاف آیین‌نامه‌ها؛
۲. سوءاستفاده کننده از قدرت به امانت برده‌شده برخوردار است که شامل فساد اقتصادی در هر دو بخش خصوصی و دولتی است؛
۳. انگیزه و قصد اخلال در نظام اقتصادی در تحقق فساد اقتصادی نقشی ندارد. همان‌طور که در مبنای مبارزه با این جرم بیان خواهد شد، اهتمام شارع بر امنیت اقتصادی فارغ از قصد و انگیزه اخلال است و صرف اخلال در امنیت اقتصادی مورد نهی شارع است.
۴. جهت سوءاستفاده، در تحقق فساد اقتصادی اثری ندارد؛ بنابراین ممکن است در جهت منفعت خویش باشد یا اشخاص دیگر حقیقی، حقوقی، گروه‌ها یا جریان‌های سیاسی.
۵. فساد اقتصادی هم با بحث‌های اقتصاد خرد و هم اقتصاد کلان ارتباط پیدا می‌کند. آنچه مهم است این می‌باشد که اخلال در نظام اقتصادی کشور اثرگذار باشد که این امر در اثر رفتار اشخاص حقیقی یا حقوقی شکل می‌گیرد و رفتار اشخاص و بنگاه‌های اقتصادی از بحث‌های اقتصاد خرد است و نتیجه این رفتار که اخلال در نظام اقتصادی می‌باشد از بحث‌های اقتصاد کلان است.

تفکیک فساد اقتصادی از فساد مالی، جرایم اقتصادی، جرایم مالی و جرایم یقه سفیدی

پس از روشن شدن مفهوم فساد اقتصادی، به تمایز آن با فساد مالی، جرایم اقتصادی، جرایم مالی و جرایم یقه سفیدی اشاره می‌شود.

۱. فساد اقتصادی و فساد مالی

در اصطلاح تعریف‌های گوناگونی از فساد مالی مطرح شده که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. هر چند خود واژه فساد به تنهایی یک اصطلاح حقوقی شمرده نشده و در آیین‌نامه‌های جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک جرم معرفی نشده است (نجفی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۸۹) اما واژه «Corruption» در نوشته‌های حقوقی در مفهوم فساد مربوط به مال به‌کار برده شده است. فساد در معروف‌ترین تعریف، به سوءاستفاده از قدرت عمومی برای انتفاع شخصی تعریف شده و این تعریف از سوی بانک جهانی نیز استفاده

شده است اما برخی باور دارند که نباید از این تعریف، نتیجه گرفت که در فعالیت‌های بخش خصوصی به‌ویژه در بخش‌های خصوصی بزرگ فساد مطرح نمی‌شود. هم‌چنین ضرورتی ندارد فساد برای نفع خود شخص باشد بلکه ممکن است برای انتفاع بستگان، دوستان و آشنایان و افراد دیگر صورت گیرد؛ البته در بسیاری از کشورها بعضی از عواید فساد به قدرت‌های سیاسی آن کشور برگشت دارد (Tanzi, 1998, p8). در تعریف سازمان شفافیت جهانی در سال ۱۳۹۳ به جای قدرت عمومی از عبارت قدرت امانتی استفاده شده است؛ بنابراین فساد به سوءاستفاده از قدرت به امانت برده شده برای منافع شخصی گفته می‌شود که شامل فساد در بخش خصوصی و دولتی است (دادخدایی، ۱۳۹۰، ص ۵۳).

با توجه به تعریف مشهور از فساد مالی، این جرم فقط به سوءاستفاده از قدرت عمومی و قدرت امانتی در جهت کسب منفعت خویش اطلاق می‌شود که در این جهت فساد مالی و فساد اقتصادی هم‌پوشانی دارند؛ اما در جرم فساد مالی به اثر این سوءاستفاده در پدیدساختن اخلال در نظام اقتصادی پافشاری نشده است. برخلاف فساد اقتصادی که یکی از ویژگی‌های مهم آن اخلال در نظام اقتصادی است.

۲. فساد اقتصادی و جرایم اقتصادی و مالی

جرایم اقتصادی یک تعریف پذیرفته‌شده ندارد و براساس اختلاف در نظریه‌های اقتصادی تعریف‌های گوناگونی برای آن ارائه شده است (نورزاد، ۱۳۸۹، ص ۴۲)؛ اما برخی، رفتار مجرمانه‌ای را جرم اقتصادی گفته‌اند که با انگیزه به‌دست آوردن سود یا امتیاز مادی در بستر نظام اقتصادی (تولیدی، توزیعی، پولی، ارزی، گمرکی، حمل‌ونقل و مصرف) و علیه نظام اقتصادی ارتکاب می‌یابد و باعث اخلال در چرخه نظام و فعالیت‌های اقتصادی می‌شود (مهدوی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۳۹).

جرایم اقتصادی با جرایم مالی نیز تفاوت دارد و از جهت موضوع، مرتکب جرم، بزه‌دیده، ضمانت اجرا و سیاست جنایی در برابر آن و نیز از جهت اثبات متمایز هستند. فساد اقتصادی در این ویژگی‌ها با جرم اقتصادی مشترک است و با توجه به تعریف فساد اقتصادی تفاوتشان در این می‌باشد که در فساد اقتصادی سوءاستفاده از قدرت عمومی و امانتی از ارکان مهم در تحقق این جرم است.

۳. فساد اقتصادی و جرم یقه سفیدی

درباره جرم یقه سفیدی دو تعبیر وجود دارد: الف) جرایم یقه سفیدان؛ ب) جرایم یقه سفیدی. بنابراین با این پرسش روبه‌رو می‌شویم که کدام‌یک از این دو عنوان صحیح است؟ این اختلاف نظر ناشی از اختلاف در این است که ملاک در تعریف این جرم، شخصیت مجرم است یا ماهیت خود جرم؟ به عبارت دیگر بین عاملان و اعمال یا بین هنجارشکنان و هنجار تفاوت وجود دارد و باید دید کدام‌یک از آن‌ها ملاک تعریف قرار می‌گیرد.

پژوهشگران جرم یقه سفیدی همیشه با مشکل تعریف دقیق از این جرم روبه‌رو بوده‌اند و این اشکال از زمان خود ساترلند آغاز شده است؛ چرا که وی گاهی جرایم یقه سفیدی را جرایم افرادی که موقعیت بالای اجتماعی دارند، معرفی می‌کند؛ در حالی که در جای دیگر به ماهیت جرم اشاره کرده است؛ بنابراین این جرم را به جرایمی اطلاق کرده که در ضمن شغل و حرفه یک فرد واقع می‌شود (Weisburd, 2004, p8-9).

در دیدگاه نخست، تعریف پژوهشگران بر محور شخصیت بزهکاران شکل گرفته و بررسی این جرم، به‌طور دقیق در فعالیت‌های نخبگان و اعضای قدرتمند جامعه متمرکز است؛ بنابراین جرم یقه سفیدی عبارت است از سوءاستفاده از قدرت به‌وسیله افرادی که در جایگاه بالای قرار دارند جایی که فرصت چنین سوءاستفاده‌ای را برای آن‌ها فراهم می‌سازد (Geis, 1992, p47). براساس این نگرش جرایم یقه سفیدان تعمیم دارد و شامل تمام جرایم ارتكابی اعم از مالی و جنایی و... از سوی این قبیل اشخاص می‌شود.

در دیدگاه دوم، جرم یقه سفیدی به موقعیت‌های اجتماعی مجرمان اشاره ندارد، بلکه به زمینه‌های ارتكاب جرایم یقه سفیدی یا روش‌های مورد استفاده در ماموریت‌شان بستگی دارد. در رویکرد دوم، جرم یقه سفیدی یک عمل غیرقانونی یا مجموعه از اقدام‌های غیرقانونی که با استفاده از ابزار غیرفیزیکی و از راه پنهان‌کاری یا فریب برای به‌دست آوردن پول یا اموال، برای پرهیز از پرداخت یا از دست‌دادن پول یا اموال یا برای به‌دست آوردن کسب‌وکار یا منفعت شخصی انجام می‌گیرد (Edelhertz, 1970, p3).

با توجه به تعریف پژوهشگران از جرایم یقه سفیدی، این جرم با فساد اقتصادی متفاوت است و فقط براساس تعریف‌های که در جهت دیدگاه دوم سامان یافته است آن هم در مواردی که اختلال در رفتارها و روابط اقتصادی در هر سه حوزه تولید، توزیع و مصرف در سطح کشور صورت گرفته باشد، تفاوتی با فساد اقتصادی نخواهد داشت.

ب) حفاظت از امنیت اقتصادی

فساد اقتصادی، امنیت اقتصادی را هدف قرار داده و با اختلال در نظام اقتصادی و در سایه فقدان امنیت، گسترش می‌یابد. آثار سوء این اختلال، تمام جامعه را به سوی فساد سوق می‌دهد. هیچ فساد به اندازه فساد اقتصادی جامعه را تهدید نمی‌کند و همه بزه‌کاری‌ها، بدی‌ها، جنایت‌ها و تعدی‌های مرتبط به اموال و مالکیت به فقر مفرط یا ثروتمندی مفرط مربوط می‌شود که هر دو مفسده از اختلال حاکم بر نظام اقتصادی ناشی می‌شود. با این اختلال، آشفتگی و فساد گسترش یافته و بر نظام حاکم بر تحصیل مال و گردآوری آن، احکام وضع شده برای مالکیت، تمیزگذاری میان خوردن مال به صورت حلال یا حرام تعمیم می‌یابد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۲۴۸).

در فضای آکنده از فساد اقتصادی، نه تنها به درستی دین الهی در عملکردها دیده نمی‌شود؛ بلکه دین وسیله کسب معیشت می‌شود. در کلامی از پیامبر گرامی اسلام آمده است که: «الْمُؤْمِنُ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ حِرْفَةٌ يَعِيشُ بِدِينِهِ؛ هرگاه مؤمن شغلی نداشته باشد دین خود را مایه کسب و کار خود می‌کند» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۴۱۵).

برای دستیابی به مبانی سیاست جنایی اسلام در برابر مفاصد اقتصادی ابتدا لازم است هدف‌های نظام اقتصادی اسلام مشخص شود؛ چرا که تدبیرهای گرفته شده در برابر هر رفتاری، بستگی به این دارد که این رفتار کدام یک از ارزش‌های پذیرفته شده در نظام حقوقی اسلام را نقض کرده است.

نظام اقتصادی اسلام در پی تحقق هدف‌های عالی یعنی رساندن فرد و جامعه به سعادت است و آن را از راه پدیدساختن زمینه‌های رفاه عمومی و زندگی گوارا امکان‌پذیر می‌سازد (میرمعزی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۲). در سایه وجود امنیت اقتصادی می‌توان به این هدف‌ها دست یافت. پدیدساختن، حفاظت و توسعه امنیت اقتصادی نیازمند

سیاست جنایی مشخصی است تا با گرفتن تدبیرهای کیفی و غیرکیفری در مبارزه با نقض این ارزش و گسترش مفسد اقتصادی کامیابی حاصل شود.

درباره امنیت اقتصادی بحث‌های گوناگونی وجود دارد. پرسش نخست این است که مقصود از امنیت اقتصادی چیست؟ چه جایگاهی برای امنیت اقتصادی در سیاست جنایی اسلام و جمهوری اسلامی ایران وجود دارد؟ اخلال در نظام اقتصادی از راه نادیده گرفتن مؤلفه‌های تشکیل دهنده امنیت اقتصادی شکل می‌گیرد؛ بنابراین باید دید امنیت اقتصادی از کدام مؤلفه‌ها ترکیب یافته است؟

مفهوم امنیت اقتصادی

این اصطلاح از دو واژه اقتصاد و امنیت ترکیب یافته و امنیت به معنای فقدان خوف و بیم است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۳۷۷). ریشه این کلمه «امن» به معنای آرامش دل و فقدان خوف و اضطراب است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۳۳ / مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۵۰). برخی از لغت‌شناسان آن را به عدم انتظار امر ناخوشایند در آینده تفسیر کرده‌اند (جرجانی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۵۵) که در حقیقت لازمه معنای لغوی است. در انگلیسی نیز واژه «Security» به معنای خاطر جمعی، بی‌هراسی فقدان نگرانی است (آریان‌پور، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۴۵۸۵). به معنای اقتصاد نیز پیش‌تر اشاره شد.

هر چند به باور برخی تعریف چندان مشخص و گویایی از امنیت اقتصادی ارائه نشده است (مزا شو، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۸)؛ اما با توجه به معانی واژه‌های امنیت و اقتصاد تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است. افزون بر اثرگذاری معانی لغوی این اصطلاح، گاهی اختلاف تعریف‌ها به علت نگاه متفاوت به متعلق امنیت اقتصادی است، در اقتصاد نظام سرمایه‌داری، امنیت اقتصادی مترادف امنیت سرمایه بوده و تعریف‌ها به این سمت سوق می‌یابد اما در دیدگاه سوسیالیستی توجه آنان به سوی عامل تولید و نیروی کار معطوف می‌شود.

در باور برخی در مکتب اقتصادی اسلام، امنیت اقتصادی عبارت از فضا و بستری از ارزش‌ها، قانون‌ها و سیاست‌های دولت است که پیشرفت اقتصادی و عدالت اقتصادی را در یک نظام اقتصادی پدیدآورده و پیوسته ارتقا می‌بخشد (جهانیان، ۱۳۹۱،

صص ۱۹۴ و ۲۰۲). در این تعریف بر نقش و تقویت باورهای اعتقادی و اخلاقی و سپس رسوخ آن در سطح نهادهای اجتماعی پافشاری شده و آن را زمینه‌ساز تأمین امنیت اقتصادی شمرده است. برخی نیز نوشته‌اند که امنیت اقتصادی عبارت از وضعیتی است که طی آن سرمایه‌گذار در سایه اقتصاد سالم، دغدغه‌ای در بازگشت سرمایه به همراه حداقل سود نخواهد داشت (محبی، ۱۳۹۰، ص ۲۰۹). بعضی هم میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از راه تأمین کالاها و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین‌المللی را امنیت اقتصادی گفته‌اند (سیف، ۱۳۸۹، ص ۱۰). در نظر بعضی نیز امنیت اقتصادی عبارت از ثبات و عدم خطر و ریسک در فعالیت‌های اقتصادی در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف در بخش‌های دولتی و خصوصی و در بُعدهای داخلی و خارجی است (میر معزی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۱).

هم‌چنین در باور برخی از اندیشه‌وران علم اقتصاد، امنیت اقتصادی عبارت است از آزادی از هر نوع ترس، شک و ابهام درباره اجرا نشدن تعهدها و مطالبه‌ها همراه با حصول اطمینان از برخورداری از ثمرهای فعالیت‌هایی که درباره تولید ثروت، توزیع و مصرف آن صورت می‌گیرد (چینی، ۱۳۸۲، ص ۱۰).

در تعریف برخی از حقوق‌دانان، امنیت اقتصادی به معنای مصون‌بودن فعالیت‌های اقتصادی و از جمله سرمایه و سرمایه‌گذاری از هر گونه تعرض ناصواب و مغایر با قانون و عدالت و اصول پذیرفته و تثبیت شده در فعالیت‌های اقتصادی است (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۷).

در برخی از تعریف‌های یادشده، فقدان ریسک و اطمینان نشان‌گر وجود امنیت اقتصادی معرفی شده است؛ در حالی که بین ناامنی اقتصادی با ریسک تفاوت وجود دارد؛ چرا که امنیت اقتصادی با ریسک ناسازگار نیست و کسانی که به فعالیت اقتصادی می‌پردازند با سنجش احتمال‌های گوناگون درباره هزینه و سود فعالیت خویش اقدام می‌کند؛ البته فضای عدم اطمینان با شرایط ریسک، اندکی تفاوت دارد. در فضای عدم اطمینان فعال اقتصادی با گزینه‌هایی که روبه‌رو است احتمال کامیابی (سودآوری) و شکست (زیان‌دهی) در آن‌ها مشخص نیست مگر این‌که دولت آن را تضمین کند یا این‌که برخوردار از انحصارهای ویژه باشد یا این‌که براساس ایدئولوژی خاص بر

فعالیت اقتصادی اقدام کند (مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۵۵). هم‌چنین در برخی از تعریف‌ها بر ثبات اقتصادی در قوام امنیت اقتصادی پافشاری شده است و مراد از ثبات اقتصادی برگرفتن سیاست‌های کلان شفاف و دقیق از سوی دولت در بازارها و پای‌بندی به این سیاست‌ها و عدم تغییر ناگهانی سیاست‌های کلان اقتصادی مانند سیاست‌های ارزی، پولی، مالی و بازرگانی می‌باشد (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۶). بنابراین در وضعیت ثبات اقتصادی، فعالان اقتصادی از شک و تردید درباره تعهدها و مطالبه‌ها رهایی دارند و سرمایه‌گذاری خود را با اطمینان از ثمرهای فعالیت‌های اقتصادی خود انجام می‌دهند.

از تعریف‌های یادشده، معانی امنیت و اقتصاد می‌توان به این نتیجه دست یافت که امنیت اقتصادی عبارت از ثبات و رهایی از ترس، ابهام و اضطراب در فعالیت‌های اقتصادی در حوزه‌های تولید، توزیع و مصرف در بخش‌های دولتی و خصوصی است.

اهمیت و جایگاه امنیت اقتصادی

فعالان اقتصادی با بهره‌مندی از امنیت اقتصادی برای هدف‌های قابل پیش‌بینی خود، برنامه‌ریزی می‌کنند اما با فقدان امنیت اقتصادی نه‌تنها از فرصت پیش‌بینی بی‌بهره هستند بلکه تمام توان خود را صرف مقابله با پیامدهای ناامنی اقتصادی می‌کنند.

نظام اجتماعی از سه اصل مهم حفظ اعراض، حفظ اموال و حفظ نفوس ترکیب یافته است و اوامر و نواهی الهی در جهت حفظ این نظام‌های سه‌گانه وارد شده و با هر گونه اخلال در هر یک از آن‌ها مبارزه شده است (سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۱۰۸). به این سه اصل کلی در کلام پیامبر اکرم ۶ توجه شده است. از آن حضرت نقل شده که فرمود: «الْمُؤْمِنُ حَرَامٌ كُلُّهُ عَرَضُهُ وَ مَالُهُ وَ دَمُهُ؛ هر آنچه به مؤمن تعلق دارد یعنی آبرو، جان و مال وی دارای احترام است» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۵۷).

در روایت دیگری حرمت مال مؤمن را هم‌سان احترام به جان انسان می‌داند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۶۰). هر چند در این کلمات واژه مال به‌کاررفته است اما شامل شئون گوناگون مال می‌شود.

التبه احترام مال دیگری، یک اصل عقلایی بوده که مورد امضای شرع مقدس قرار

گرفته است. هر گاه گفته می‌شود که مال یا جان محترم می‌باشد به این معناست که امنیت داشتن آن ضروری است و هیچ‌کس نمی‌تواند نسبت به آن تعرض و تعدی کند. از سوی دیگر وقتی که مال یک شخص، محترم شمرده می‌شود مالک نسبت به آن حق اختصاصی پیدا کرده و از حقوق خاصی بهره‌مند می‌شود و از باب ملازمه حق و تکلیف دیگران در برابر آن تکلیف پیدا می‌کنند. از این رو است که احترام مال، زمینه را برای برقراری امنیت اقتصادی فراهم می‌سازد.

در روایت دیگری از امام صادق 7 امنیت از امور ضروری معرفی می‌شود: «ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ يَحْتَاجُ النَّاسُ طَرًّا إِلَيْهَا الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخِصْبُ» (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۲۰)؛ امام صادق 7 فرموده است که همه مردم به سه چیز نیاز دارند و باید این نیازها تأمین شود که عبارت هستند از امنیت، عدالت و رفاه عمومی». در این روایت سخن از امنیت است که اطلاق دارد و شامل تمام بُعدها از جمله امنیت اقتصادی می‌شود.

هم‌چنین از امام صادق 7 نقل شده که می‌فرماید:

«خَمْسُ خِصَالٍ مَنْ فَقَدَ وَاحِدَةً مِنْهُنَّ لَمْ يَزَلْ نَاقِصَ الْعَيْشِ زَائِلَ الْعَقْلِ مَشْغُولَ الْقَلْبِ فَأَوْلُهَا صِحَّةُ الْبَدَنِ وَالثَّانِيَةُ الْأَمْنُ وَالثَّلَاثَةُ السَّعَةُ فِي الرِّزْقِ وَالرَّابِعَةُ الْأَيْسُّ الْمُوَافِقُ قُلْتُ وَ مَا الْأَيْسُّ الْمُوَافِقُ قَالَ الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ وَالْوَالِدُ الصَّالِحُ وَالْجَلِيسُ الصَّالِحُ وَالْخَامِسَةُ وَهِيَ تَجْمَعُ هَذِهِ الْخِصَالِ الدَّعَةُ (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۵۱)؛ امام صادق 7 فرمود: پنج ویژگی است که هر کس یکی از این‌ها را نداشته باشد همیشه زندگی‌اش همواره با نقص و کاستی روبه‌رو است. خردش سرگشته و ذهنش دائم مشغول است. اولی تندرستی، دومی امنیت، سومی گشایش روزی و چهارمی همدل سازگار است. روای می‌گوید از امام پرسیدم: مونس هماهنگ چیست؟ حضرت فرمود: زن شایسته و فرزند شایسته و رفیق شایسته و پنجمی که جامع تمام این ویژگی‌هاست آسایش و راحتی است».

نکته مهم در این روایت این است که ویژگی پنجم محور گردآوری دیگر ویژگی‌ها معرفی شده و به این معناست که وجود آرامش و آسایش نشانگر وجود دیگر ویژگی‌های یادشده می‌باشد.

امنیت اقتصادی یکی از ارکان اصلی در حوزه امنیت ملی در هر کشوری است چرا که امنیت ملی یک نهاد مبتنی بر سه مؤلفه امنیت سیاسی، امنیت نظامی و امنیت اقتصادی می‌باشد. هر کدام از این مؤلفه‌ها، بر حسب شرایط متناسب خود به

حمایت‌های کیفی نیازمند هستند. در این جا این پرسش بنیادین مطرح است که در حمایت‌های کیفی از این بُعدهای گوناگون کدام بُعد نسبت به بُعدهای دیگر رجحان دارد. هر چند هر سه رکن امنیت در استحکام حاکمیت نقش اثرگذاری را بازی می‌کنند و هر گونه غفلت از سیاست‌گذاری در قلمرو هر کدام از آنها آسیب‌های جبران ناپذیری را متوجه حاکمیت می‌سازد و ضرورت حمایت‌های کیفی از امنیت سیاسی و نظامی در تثبیت و حفظ ساختارهای حاکم در هر کشوری وجود دارد؛ اما در عصر کنونی اهمیت و اثرگذاری امنیت اقتصادی و تحت‌الشعاع قرار دادن امنیت سیاسی بر کسی پوشیده نیست امروزه در هزاره سوم و به‌ویژه در عرصه بین‌المللی و روند فزاینده حمله‌های اقتصادی، امنیت اقتصادی نسبت به دیگر وجوه امنیت یعنی امنیت سیاسی و نظامی جایگاه بالاتری دارد (کوشا، ۱۳۹۰، ص ۸۶۹).

در آیه‌ای از قرآن کریم با اخلال در امنیت اقتصادی مبارزه شده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ (نساء، ۲۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را به ناحق مخورید، مگر آن‌که تجارتی باشد که هر دو طرف به آن رضایت داده باشید و خودتان را نکشید. هر آینه خداوند متعال Ψ با شما مهربان است».

خداوند متعال Ψ در این آیه مؤمنان را به حفظ حقوق مالی فرا می‌خواند هر چند سیاق آیه به شکل نهی تکلیفی است اما مفاد آن امر بر حفظ حقوق مالی است. از این رو بیانگر این است که مال دیگران را محترم شمارید.

در این آیه واژه «لا تاكلوا» تعبیر کنایی و نهی از تسلط بر هر گونه مالی خارج از ضوابط بیان و مشخص بوده و مراد از «باطل» تمام ابزارهای تسلط برخلاف آیین‌نامه‌هاست.

آیه یادشده، دو موضوع را مورد توجه قرار داده است. یکی مربوط به تجاوز از حدود الهی در برابر اموال و دیگری تجاوز بر جان و حیات انسان‌هاست. به تعبیر برخی مفسران، در این آیه بر دو پایه اجتماع انسانی اشاره شده است یکی امنیت انسان می‌باشد که از راه احترام به حیات و جان انسان‌ها حاصل می‌شود و دیگری امنیت اقتصادی است که با احترام به اموال و مالکیت مردم به دست می‌آید (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق،

ج ۷، ص ۲۰۴). هر گاه در یکی از این دو موضوع، اختلال و فساد و انحراف از راه درست پدید آید نظام اجتماعی دچار اختلال می شود و اگر جامعه ای از نعمت امنیت انسانی اجتماعی و امنیت اقتصادی برخوردار باشد توازن و ثبات در جامعه ادامه خواهد یافت.

هم چنین براساس آیه «أَمْوَالِكُمْ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَاماً (نساء، ۵)؛ خداوند متعال ۷، مال را وسیله قوام و برقراری زندگی و اجتماع و مایه برپایی زندگی و سامان یابی انسان ها در زندگی قرار داده است». هر گونه اختلال در این سامان سازی، اختلال در معیشت و زندگی مردم را در پی خواهد داشت و اختلال در معاش باعث اختلال در باور به معاد خواهد شد (سبزواری، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۲۶۶).

بر پایه کلامی از امام رضا ۷ یکی از علت های مهم حرمت مال یتیم، پیش گیری از سقوط وی در پرتگاه های فقر است (حکیمی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۱۷).

حضرت علی ۷ در منشور کارگزاران به مالک ائشره؛ درباره فعالان اقتصادی به این مسئله مهم اشاره و پافشاری شده است: «وَلْيَكُنِ الْبَيْعُ بَيْعاً سَمِحاً بِمَوَازِينِ عَدْلٍ (نهج البلاغه، ن ۵۳)؛ باید به گونه ای تدبیر کنی که فعالیت فعالان اقتصادی با وضع روانی و در حال انبساط و با موازین عدالت صورت گیرد» (جعفری، ۱۳۷۳، ص ۴۷۸). سمح در لغت به معنای آسانی کار است که بدون قرار گرفتن در تنگنا، حرج و سختی واقع می شود (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۷۴) یا به معنای چیزی است که مطابق با پیش بینی انجام می گیرد (فیومی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۲۸۸). بیهقی در تفسیر این فراز از کلام امام علی ۷ مقصود از آن را وضعیتی می داند که شخص خود را بی نیاز از انجام فعالیت نمی بیند و نقص و خسران در آن ندارد (بیهقی، ۱۳۶۷، ص ۳۸۸)؛ بنابراین مقصود از این کلام این است که شخص متمایل بر انجام فعالیت اقتصادی بوده و نگرانی بروز نقص در سرمایه خود را ندارد.

هر چند تعبیر آن حضرت درباره خرید و فروش است اما همان طور که برخی از شارحان نهج البلاغه باور دارند این توصیه درباره تمام فعالیت های اقتصادی جریان دارد (شوشتری، ۱۳۷۶، ج ۸، ص ۵۸۲).

فقدان امنیت اقتصادی باعث می شود که نه تنها سرمایه گذاران خارجی رغبتی برای فعالیت نشان ندهند بلکه سبب خروج سرمایه های داخلی نیز می شود.

در سندهای مربوط به سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران نیز به این موضوع توجه شده است. در سال ۱۳۷۹ در ضمن ابلاغ سیاست‌های کلی نظام برای برنامه‌ریزی قوای سه‌گانه از سوی رهبری، سیاست‌های کلی نظام، امنیت اقتصادی از اولویت‌دارترین سیاست‌های کلی و بلندمدت جمهوری اسلامی ایران تعیین شده است. در تبصره ماده ۷۶ و بند «ب» ماده ۲۰۵ برنامه پنجم توسعه براساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، بر مبارزه و پیش‌گیری از اختلال در امنیت اقتصادی پافشاری شده است. همچنین در بند ۴۵ سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه، تثبیت فضای اطمینان بخش برای فعالان اقتصادی از جمله سیاست‌های کلی در حوزه اقتصادی شمرده شده است.

در کنار اسناد ملی، اسناد بین‌المللی نیز وجود دارد اما فرایند همکاری‌های بین‌المللی در مبارزه فساد به سامان نرسیده است. کنوانسیون مریدا در سال ۲۰۰۳م به وسیله سازمان ملل متحد مصوب شده و در سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۹م) در ایران به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. روشن است که اسناد بین‌المللی با تصویب در مراجع قانونی، در حکم قوانین داخلی و لازم‌الاجراست. در این کنوانسیون جرایمی که از مصداق‌های فساد است پیش‌بینی شده اما کیفر این جرایم با توجه جایگاه قانون اساسی کشورها به خود کشورهای گوناگون واگذار شده تا بر حسب قانون‌های داخلی خود کیفرها را تعیین کنند؛ چرا که تعیین مجازات، حق حاکمیتی کشورهاست البته در جمهوری اسلامی ایران این کنوانسیون پذیرفته شده بدون این که مجازات جرایم را مشخص شده باشد.

مؤلفه‌های امنیت اقتصادی

برای شکل‌گیری یک سیاست جنایی کامیاب در مبارزه با مفاسد اقتصادی، رصد مؤلفه‌های امنیت اقتصادی ضرور است. مؤلفه‌های امنیتی گاهی در بُعد اقتصاد خرد و گاهی در بُعد اقتصاد کلان مطرح می‌شود. در اقتصاد خرد، امنیت اقتصادی وقتی حاصل است که اموال قانونی متعلق به یک شخص از خطر تعدی دیگران یا دولت مصون باشد اما امنیت اقتصادی در اقتصاد کلان به معنای وجود ثبات و عدم خطر نسبت به

فعالیت‌های اقتصادی، اموال و ثروت‌های جامعه می‌باشد؛ بنابراین ممکن است علت‌های ناامنی داخلی یا خارجی باشد. وقتی که سیاست‌های اقتصادی دولت یا عدم شفافیت آن، اموال و فعالیت‌های اقتصادی را در معرض تهدید و تعرض قرار می‌دهد، علل ناامنی اقتصادی داخلی است و اگر فعالیت‌های اقتصادی از سوی دیگر کشورها مورد تعرض قرار گیرد علل ناامنی خارجی است.

در بررسی مؤلفه‌های امنیت اقتصادی لازم است به آسیب‌ها از جمله ژئوپلیتیکی بودن ایران در پدید آمدن مفاسد اقتصادی و بروز برخی مفاسد اقتصادی مانند پول‌شویی توجه شود چرا که همسایگی با کشورهای مانند افغانستان در گسترش آن جرم قابل انکار نیست. هم‌چنین در احصای این مؤلفه‌ها به این امر ضروری باید توجه شود که از اختلاط امنیت اقتصادی با امنیت سیاسی و نظامی پرهیز شود و بلکه به امنیت اقتصادی به‌عنوان یک ارزش مستقل در تدوین سیاست جنایی توجه شود (کوشا، ۱۳۹۰، ص ۸۷۲-۸۷۰).

امنیت اقتصادی با همان ضرورتی که دارد با اقتصاد امنیتی در تناقض است. در اقتصاد امنیتی که شاید بتوان کشورهای سوسیالیستی زمان جنگ سرد و برخی از کشورهای پادشاهی از این قبیل شمرد، فقط یک فعال اقتصادی وجود دارد و آن نهادی است که منابع مالی فراوانی در اختیار دارد و بر نیروهای اجرایی، قانون‌گذاری و قضایی کشور تسلط دارد و در حقیقت اقتصاد کشور در اختیار طیف خاصی از طبقه حاکم و افراد منسوب به خاندان حکومتی مانند غالب کشورهای پادشاهی عربی قرار گرفته است (عطوفی، ۱۳۹۵، ص ۲۰).

براساس مطالعه‌های صندوق بین‌المللی پول (IMF) که یکی از نهادهای بین‌المللی و فعال در اقتصاد جهانی درباره امنیت اقتصادی است، عامل‌های غیراقتصادی مبنای تأثیر بر امنیت اقتصادی معرفی شده که می‌توان به تأثیر تبعیضات نژادی در رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری از راه فساد، نظام قضایی و تشریفات اداری زاید، عدم ثبات سیاسی، اختلال در آزادی‌های شهروندان و حقوق سیاسی اشاره کرد (گرجی، ۱۳۸۶، ص ۶۰).

در نظر برخی ثبات سیاسی، توزیع عادلانه، شفافیت قانون‌ها، نظارت کامل بر اجرای قانون‌ها، فقدان نقصان در نظام قضایی، ثبات اقتصادی، عدم تصدی‌گری دولت از

مؤلفه‌های امنیت اقتصادی است (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۵).

بنابراین روشن می‌شود که پدیدآمدن یک محیط امن برای توسعه و رشد اقتصادی از راه قانون‌های متناسب با فعالیت‌های اقتصادی، از میان برداشتن تبعیض برای فعالان اقتصادی در تمام عرصه‌های تولید، توزیع، مصرف و پدیدساختن شرایط بهره‌مندی عادلانه برای فعالیت‌های اقتصادی از زمینه‌های مهم برای رسیدن به عدالت اقتصادی و از مؤلفه‌های مهم در تأمین امنیت اقتصادی شمرده می‌شود.

مؤلفه‌های امنیت اقتصادی منحصر در عامل‌های محیطی یا در عامل‌های اقتصادی نیست بلکه عامل‌های پدیدآورنده امنیت اقتصادی از هر دو مؤلفه اقتصادی و محیط اقتصادی شکل می‌گیرد. دلیل ترکیبی بودن عامل‌ها این است که با وجود مؤلفه‌های محیطی ممکن است اقتصادی ناکارآمد وجود داشته باشد یا با وجود مؤلفه‌های اقتصادی در فضایی استبدادی، انحصارگرانه، فقدان بهره‌مندی از حقوق اساسی رشد اقتصادی شکل گیرد. مؤلفه‌های غیراقتصادی عبارت است از:

۱. احساس آزادی عمل در چارچوب قانون؛
۲. احساس امنیت‌خاطر نزد فعالان اقتصادی؛
۳. اعتماد به فعالیت‌های دولت.

مؤلفه‌های اقتصادی اثرگذار در عملکرد فعالان اقتصادی در سطح کلان عبارت است از:

۱. ثبات اقتصادی (پایین بودن میزان نوسان‌ها)؛
۲. توزیع عادلانه درآمدها؛
۳. برخورداری از رشد اقتصادی (گرجی، ۱۳۸۶، ص ۶۳-۶۲).

در سال ۱۳۷۹ در ضمن ابلاغ سیاست‌های کلی نظام برای برنامه‌ریزی قوای سه‌گانه از سوی رهبری به سیاست‌های کلی نظام درباره امنیت اقتصادی در پنج بند پافشاری شده است. در نخستین مجموعه از سیاست‌های کلی و بلندمدت جمهوری اسلامی امنیت اقتصادی از اولویت‌دارترین موضوع‌های تعیین شده و به شرح ذیل، مؤلفه‌های امنیت اقتصادی بیان شده است:

۱. حمایت از پدیدساختن ارزش افزوده و سرمایه‌گذاری و کارآفرینی از راه‌های قانونی و مشروع؛
۲. هدف از امنیت سرمایه‌گذاری، پدیدساختن رفاه عمومی و رونق اقتصادی و

زمینه‌سازی برای عدالت اقتصادی و از بین بردن فقر در کشور است. وضع قانون‌ها و آیین‌نامه‌های مربوط به مالیات و دیگر اموری که به آن هدف کمک می‌کند، وظیفه الزامی دولت و مجلس است؛

۳. قانون‌ها و سیاست‌های اجرایی و آیین‌نامه‌ها باید سازگاری، ثبات، شفافیت و هماهنگی داشته باشند.

۴. نظارت و رسیدگی و قضاوت درباره جرایم و مسایل اقتصادی باید دقیق و روشن و تخصصی باشد.

۵. شرایط فعالیت اقتصادی (دسترسی به اطلاعات، مشارکت آزادانه اشخاص در فعالیت‌های اقتصادی و برخورداری از امتیازهای قانونی) برای بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی، در شرایط عادی باید یکسان و عادلانه باشد.

با توجه به شرایط حاکم بر تأمین، استمرار و گسترش امنیت اقتصادی می‌توان به

مجموعه‌ای از مؤلفه‌های ذیل دست یافت که بدون آن‌ها امنیت اقتصادی حاصل نمی‌شود:

۱. عدالت اقتصادی و عدم تبعیض میان فعالان اقتصادی (شرایط فعالیت اقتصادی، دسترسی به اطلاعات، مشارکت آزادانه اشخاص در فعالیت‌های اقتصادی و برخورداری از امتیازهای قانونی) برای بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی، در شرایط عادی باید یکسان و عادلانه باشد.

۲. عدم تصدی‌گری دولت و پرهیز از اقتصاد امنیتی؛

۳. احساس آزادی عمل در چارچوب قانون؛

۴. احساس امنیت‌خاطر نزد فعالان اقتصادی؛

۵. اعتماد به فعالیت‌های دولت و عدم خطر نسبت به فعالیت‌های اقتصادی؛

۶. نظارت بر اجرای قانون‌ها و بازرسی دقیق؛

۷. ثبات اقتصادی و پایین بودن میزان نوسان‌ها؛

۸. برخورداری از رشد اقتصادی؛

۹. سازگاری، ثبات، شفافیت و هماهنگی در قانون‌ها و آیین‌نامه‌ها؛

۱۰. سازگاری، ثبات، شفافیت و هماهنگی در سیاست‌های اجرایی درباره فعالیت‌های اقتصادی؛

۱۱. اصلاح ساختارها و نظام‌های اقتصادی؛

۱۲. عدالت قضایی و رسیدگی تخصصی بر فساد اقتصادی؛

۱۳. عامل‌های محیطی امنیت اقتصادی مانند سرمایه‌گذاری از راه فساد، نظام قضایی و

تشریفات اداری زاید، عدم ثبات سیاسی، اخلال در آزادی‌های شهروندان و حقوق سیاسی. هر چند این مؤلفه‌ها مربوط به تکلیف دولت حاکم است اما از دو جهت در مبنای سیاست جنایی مبارزه با فساد اثرگذار است؛ اولاً، در سیاست جنایی کارآمد در مبارزه با مفاسد اقتصادی، تأمین مؤلفه‌های امنیت اقتصادی بهترین تدبیرهای پیش‌گیرانه از این جرم است و فقدان این مؤلفه‌ها زمینه را برای بروز این مفاسد فراهم می‌کند. از سوی دیگر مفسدان اقتصادی با ارتکاب رفتارهای ناقض این مؤلفه‌ها باعث اخلال در نظام اقتصادی می‌شوند. در ذیل به دو مورد از مؤلفه‌های محیط اقتصادی اشاره می‌شود که از اثرگذاری فراوانی نسبت به دیگر مؤلفه‌ها برخوردار است و از سوی دیگر پافشاری بیشتری از سوی مبانی دینی متوجه آن است.

۱. عدالت اقتصادی

امنیت اقتصادی مؤلفه‌های گوناگونی دارد که عدالت اقتصادی از مهم‌ترین آنهاست و حتی این دو رابطه و تأثیر متقابل داشته و هر کدام در تأمین و افزایش دیگری نقش اساسی دارد؛ به گونه‌ای که رسیدن به عدالت اقتصادی برای تأمین امنیت اقتصادی و افزایش امنیت اقتصادی در بارور ساختن عدالت اقتصادی اثرگذار است.

عدالت در آیه‌های گوناگون قرآن کریم مورد پافشاری قرار گرفته و در فقه، موضوع احکام فراوانی واقع شده است و از ارکان مقاصد شریعت شمرده می‌شود. اهمیت اثرگذاری آن در فقه در حدی است که فهم نصوص شرعی باید به صورت ضابطه‌مند مبتنی بر آن شکل پذیرد (علی‌دوست، ۱۳۸۸، ص ۹۸). تعریف‌های گوناگونی از عدالت بر حسب نگرش‌ها و علوم گوناگون ارائه شده است. در تعبیر جامعی درباره عدالت از امیر مؤمنان علی^ع نقل شده که می‌فرماید: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا (نهج البلاغه، ح ۴۳۷)؛ به معنای عدل هر امری را در جای خویش می‌نهد».

در کلامی از پیامبر اکرم^ص نیز آمده که یکی از تکلیف‌های والی جامعه «إعطاء كل ذي حق حقه» (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۶۳۶)؛ یعنی دادن حق هر صاحب حقی به وی معنا شده است. برخی از شارحان این دو جمله را هم معنا شمرده‌اند و هر کدام را مفسر آن دیگری (موسوی خویی، ۱۴۰۰، ج ۱۶، ص ۴۶ / طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۷۱).

چنانچه فرصت‌ها برای فعالیت‌های فعالان اقتصادی به‌صورت عادلانه در اختیار آنان قرار داده نشود زمینه برای کاربست شیوه‌ها و راه‌های انحرافی و اخلال‌گرانه در نظام اقتصادی فراهم می‌شود؛ به‌طور مثال، در قلمرو مفاسد اقتصادی هر گاه زمینه‌ها و ریشه‌های این قبیل جرایم مانند عدم شفافیت وجود داشته باشد، بهره‌مندی عادلانه از فرصت‌های اقتصادی در مبادله‌های اقتصادی وجود نخواهد داشت و به جهت این‌که این فعالان به‌طور طبیعی در پی سود و منفعت خویش هستند؛ به سمت قانون‌گریزی و ارتکاب جرم و فساد سوق داده می‌شوند.

حضرت علی 7 پس از آن‌که به خلافت رسید در نامه‌ای به فرماندهان این‌گونه نوشت

که:

«أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَمْ - أَنَّهُمْ مَنَعُوا النَّاسَ الْحَقَّ فَاسْتَرَوْهُ؛ پیش از شما نیز کسانی بودند که حاکم بودند اما حکومتشان به هلاک گرایید یکی از دلایل هلاکت آنان بازداشتن مردم از دست‌یابی به حقوق خود بود که در پی آن، مردم از راه‌های انحرافی برای رسیدن به حق حرکت کردند» (نهج‌البلاغه، ن ۷۹).

بنابراین لازم است هر گونه تبعیض میان فعالان اقتصادی در بهره‌مندی از شرایط فعالیت اقتصادی، دسترسی به اطلاعات، مشارکت آزادانه اشخاص و برخورداری از امتیازات قانونی از بین برده شود و برای تمام فعالان اقتصادی اعم از بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی باید یکسان، عادلانه و همراه با شفافیت باشد. افزون بر شفافیت سیاست‌های اجرایی درباره فعالیت‌های اقتصادی عدم تصدی‌گری دولت و پرهیز از اقتصاد امنیتی لازمه وجود عدالت اقتصادی است.

۲. امنیت قضایی

یکی از نکته‌های مهم در مبارزه و کنترل فساد اقتصادی ضرورت انسجام در سیاست جنایی ناظر بر آن است. اگر اقدام‌های هر کدام از قوای اجرایی، تقنینی و قضایی بدون ارتباط با هم و بدون توجه به امکانات و راهبردهای دیگری باشد، نه‌تنها در عمل کامیابی کنترل مفاسد به‌دست نخواهد آمد بلکه باعث گسترش این جرم خواهد بود چرا که وجود گریزگاه‌های ارتکاب جرم در سایه عدم انسجام در سیاست جنایی امر حتمی است.

از این رو افزون بر نقش اساسی قوه مجریه در تدوین و اجرای تدابیر غیر کیفری پیش‌گیرانه و نقش قوه قانون‌گذاری در رصد و تصویب قانون‌های جامع و همه‌سویگر و همراه با انسجام تدبیرهای پیش‌بینی شده، جایگاه قوه قضائیه به‌عنوان یک پیش‌شرط در تأمین امنیت اقتصادی برای فعالان اقتصادی شمرده می‌شود.

احساس آزادی عمل در چارچوب قانون، اعتماد به فعالیت‌های دولت و عدم خطر نسبت به فعالیت‌های اقتصادی در سایه امنیت قضایی حاصل می‌شود. امنیت قضایی از راه نظارت و بازرسی دقیق و رسیدگی تخصصی و عادلانه بر فساد اقتصادی و تعهدها و مطالبه‌های فعالان اقتصادی، تضمین‌کننده امنیت اقتصادی است (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۰).

فقدان تبعیض در رسیدگی به مفاسد اقتصادی بین منتسبان به حاکمیت و به اصطلاح یقه‌سفیدان و فعالان اقتصادی عادی، طراحی روند رسیدگی هم‌زمان با سرعت و اجرای همراه با قاطعیت کیفرها، امنیت اقتصادی را برای فعالان اقتصادی فراهم می‌کند.

در کنار تمرکز رسیدگی‌ها در قوه قضائیه و کاهش رسیدگی‌های غیرقضایی و تأمین مالی، استقلال و تخصص قضات رسیدگی‌کننده بر مفاسد اقتصادی، احساس امنیت و اطمینان را در اختیار فعالان عرصه اقتصاد قرار می‌دهد.

دیوان عدالت اداری یکی از نهادهای پیش‌بینی شده در اصل ۱۷۳ قانون اساسی است نهاد مهمی که قوه قضائیه در تأمین امنیت اقتصادی در اختیار دارد. ممکن است در اثر خلأ یا نقص قانون‌ها مرتبط با اقتصاد، مصوبه‌های و آیین‌نامه و بخشنامه‌های ناهم‌سو با سیاست جنایی مبارزه با مفاسد اقتصادی صادر شود که این امر چه‌بسا زمینه ارتکاب این جرم را فراهم می‌سازد. دیوان عدالت اداری اگر براساس وظیفه‌های خویش عمل کند می‌تواند یک نهاد مهم در جهت انسجام‌بخشی به سیاست جنایی در مبارزه با مفاسد اقتصادی باشد.

هر چند دیوان از نظر آیین‌نامه‌ها و شرایط حاکم بر آن صلاحیت بررسی و ورود بدون شکایت را ندارد اما نهادهای دیگری در این باره وجود دارد که می‌توانند با رصد آیین‌نامه‌های ناقض امنیت اقتصادی برای فعالان عرصه اقتصاد و آیین‌نامه‌های مخالف

با سیاست جنایی مبارزه با مفاسد اقتصادی، زمینه را بر انسجام در این سیاست جنایی فراهم سازد.

سازمان بازرسی نهادی است که بر حسب قانون اساسی و در جهت حُسن جریان و اجرای صحیح قانون‌ها نه تنها نقش محوری در این مبارزه را به عهده دارد بلکه می‌تواند زمینه را برای انسجام‌بخشی به سیاست جنایی مبارزه با فساد فراهم سازد. این سازمان بر پایه اصل ۱۷۴ قانون اساسی یکی از نهادهای وابسته به قوه قضائیه است؛ اما عملکردهای تشریفاتی سازمان بازرسی کشور با وجود پافشاری‌های مبانی دینی به‌ویژه بیان‌های مبارک حضرت علی^۷ درباره بازرسی، نظام بازرسی ناکارآمدی را به نمایش گذارده است.

در این میان وضعیت ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی هم از جهت ساختاری و هم از حیث عملکرد، تصویری مغایر با هدف‌های تشکیل آن را نشان می‌دهد.

براساس بند دو فرمان مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۰ مبنی بر مبارزه با مفاسد اقتصادی، تأمین امنیت اقتصادی یکی از هدف‌های ستاد بوده و مبارزه با مفاسد اقتصادی باعث امنیت فضای اقتصادی و اطمینان کسانی است که می‌خواهند فعالیت سالم اقتصادی داشته باشند.

اشکال ساختاری که درباره این ستاد وجود دارد این است که نه در میان اعضای حقوقی ثابت آن و نه در بین اعضای معرفی شده از سوی مجلس، از متخصصان علوم جنایی در رشته‌های گوناگون آن دیده نمی‌شود؛ بنابراین در این ستاد هیچ استراتژی برای مقابله با مفاسد اقتصادی تعریف نشده است. این نقص در ساختار به وضوح در عملکرد این ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی پدیدار است؛ به‌طور نمونه، همایشی در مورخه هفدهم آذر ۱۳۹۳ با عنوان «همایش ملی ارتقای سلامت اداری و مبارزه با فساد» برگزار شد. در این همایش یک‌روزه، ترکیب سخنرانان مانند رؤسای قوای سه‌گانه و برخی از معاونان بیانگر محتوای شعارگونه آن بود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱. فساد اقتصادی باید به‌صورت دقیق به‌وسیله قانون تعریف شود. اگر این جرم از قبیل

افساد فی الارض شمرده شود احصای مصداق‌های آن ضرورت دارد؛ البته در این امر به جهت بین‌رشته‌ای بودن امنیت اقتصادی، نظرهای هر دو گروه متخصص از علوم جنایی و اقتصاد ضرورت دارد.

۲. در تعریف پیشنهادی این بررسی، فساد اقتصادی عبارت از سوءاستفاده از قدرت امانی و اخلال در نظام اقتصادی یعنی رفتارها و روابط اقتصادی در هر سه حوزه تولید، توزیع و مصرف، در سطح کشور است.

۳. حفاظت از امنیت اقتصادی مبنای مبارزه با مفاسد اقتصادی در سیاست جنایی اسلام است که در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران نیز به آن پافشاری شده است.

۴. امنیت اقتصادی که مورد حمایت سیاست جنایی اسلام است از مؤلفه‌های گوناگون اقتصادی و محیط اقتصادی تشکیل یافته که مؤلفه‌های عدالت اقتصادی و امنیت قضایی اهمیت بیشتری دارد که اولی را قوه مجریه و دومی را قوه قضائیه باید تأمین و حفاظت کرده و در جهت استمرار آن برنامه‌ریزی و اقدام کنند.

منابع و مأخذ

۱. سیدرضی، محمدبن‌حسین؛ نهج‌البلاغه؛ تحقیق: صبحی صالح؛ ج ۱، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۲. آریان‌پور کاشانی، منوچهر و بهرام دل‌گشایی؛ فرهنگ جامع پیشرو آریان‌پور انگلیسی - فارسی؛ تهران: نشر الکترونیکی و اطلاع‌رسانی جهان رایانه، ۱۳۸۰.
۳. ابن‌شعبه حرانی، حسن‌بن‌علی؛ تحف العقول عن آل الرسول؛ ج ۲، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.
۴. ابن‌فارس، احمدبن‌فارس؛ معجم مقاییس اللغة؛ تحقیق: عبدالسلام محمد هارون؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۵. ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم؛ لسان‌العرب؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۶. بروجردی، آقا‌حسین؛ جامع‌أحادیث‌الشیعة؛ ج ۱، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶.

۷. بیهقی علی بن زید ابن فندق؛ معارج نهج البلاغه؛ تحقیق: محمدتقی دانش پزوه؛ قم: کتابخانه مرعشی نجفی؛ ۱۳۶۷.
۸. تانزی، ویتو؛ «مسئله فساد، فعالیت‌های دولتی و بازار آزاد»؛ ترجمه: بهمن آقایی؛ مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۵۰-۱۴۹، ۱۳۸۷.
۹. جرجانی، علی بن محمد بن علی؛ التعريفات؛ تحقیق: ابراهیم الیاری؛ بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۵ق.
۱۰. جعفری، محمدتقی؛ حکمت اصول سیاسی اسلام؛ تهران: بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۳.
۱۱. جهانیان، ناصر؛ «تعریف و جایگاه امنیت اقتصادی در اسلام»؛ فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، س ۱، ش ۱، ۱۳۹۱.
۱۲. چینی، حبیب؛ «امکانات، محدودیت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات در برابر امنیت اقتصادی»؛ مجموعه مقالات همایش راه‌کارهای توسعه امنیت اقتصادی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۲.
۱۳. حسینی، سیدمحمد؛ سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: سمت، ۱۳۸۳.
۱۴. حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد و علی حکیمی؛ الحیاة؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸.
۱۵. خویی، میرزا حبیب‌الله هاشمی؛ منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه؛ تحقیق: سید ابراهیم میانجی؛ تهران: المكتبة الاسلامیة، ۱۴۰۰ق.
۱۶. دادخدایی، لیلا؛ فساد مالی - اداری و سیاست جنایی مقابله با آن با تکیه بر کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰.
۱۷. دلماس مارتی، می‌ری؛ نظام‌های بزرگ سیاست جنایی؛ ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی؛ چ ۲، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۳.
۱۸. دهخدا، علی اکبر و دیگران؛ لغت‌نامه دهخدا؛ تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا و دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ القرآن؛ تحقیق: صفوان عدنان داوودی؛ بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۲۰. روزبهان، محمود؛ مبانی علم اقتصاد؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰.
۲۱. زبیدی، سید محمد مرتضی حسینی؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ تحقیق: علی شیری؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۲۲. سبزواری، سید عبدالاعلی موسوی؛ مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن؛ ج ۲، بیروت: مؤسسه اهل بیت، ۱۴۰۹ق.
۲۳. سیف، الله مراد؛ «مفهوم شناسی امنیت اقتصادی»؛ فصلنامه آفاق امنیت، س ۳، ش ۹، ۱۳۸۹.
۲۴. شوشتری، محمد تقی؛ بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه؛ تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۶.
۲۵. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۲۶. طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین؛ تحقیق: سید احمد حسینی؛ تهران: المكتبة المرتضویة، ۱۳۷۵.
۲۷. عطوفی غلام رضا و حمیدرضا جاویدان داروگر؛ «اهمیت و جایگاه امنیت اقتصادی در توسعه پایدار اقتصادی»؛ مجله علمی تخصصی پژوهش ملل، دوره اول، ش ۶، ۱۳۹۵.
۲۸. علی دوست، ابوالقاسم؛ فقه و مصلحت؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.
۲۹. فضل الله، سید محمد حسین؛ تفسیر من وحی القرآن؛ ج ۲، بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ق.
۳۰. فیومی، احمد بن محمد؛ المصباح المنیر؛ قم: دارالهجره، ۱۴۰۵ق.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق؛ الکافی؛ ج ۴، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۳۲. کوشا، جعفر؛ «امنیت اقتصادی با تأکید بر پیش گیری و مبارزه با قاچاق کالا و پول شویی»؛ مجله علمی پژوهشی تحقیقات حقوقی، ضمیمه ش ۵۶، ۱۳۹۰.

۳۳. گرجی، ابراهیم و مسعود هاشمیان؛ «تحلیل تطبیقی مؤلفه‌های امنیت اقتصادی در ایران»؛ فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، س ۸، ش ۲۹، ۱۳۸۶.
۳۴. محبی، ابوالفضل؛ بررسی مؤلفه‌های حقوقی قضایی امنیت اقتصادی؛ فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۵۳، ۱۳۹۰.
۳۵. مزاشو، زیسلاو؛ «امنیت اقتصادی»؛ مجموعه مقالات امنیت اقتصادی، ج ۱، تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۷.
۳۶. مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ ج ۳، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۳۷. مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد؛ «اقتصاد، امنیت و تبیین ناامنی اقتصادی»؛ مجموعه مقالات امنیت اقتصادی، ج ۱، تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۷.
۳۸. میرمحمد صادقی، حسین؛ «وظیفه قوه قضائیه در حل و فصل شایسته دعاوی تجاری به‌عنوان پیش‌شرط امنیت اقتصادی»؛ مجموعه مقالات همایش راه‌کارهای توسعه امنیت اقتصادی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۲.
۳۹. میرمعزی، سیدحسین؛ نظام اقتصادی اسلام «مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق»؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.
۴۰. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین؛ مباحثی در علوم جنایی «تقریرات دروس استاد»؛ ویراست هفتم به کوشش شهرام ابراهیمی؛ [بی‌جا]: [بی‌نا]، ۱۳۹۱.
۴۱. نورزاد، مجتبی؛ جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران؛ تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۹.
۴۲. نوری، حسین‌بن‌محمدتقی محدث؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ق.
43. Edelhertz, Herbert, and Thomas D. Overcast, (eds.); **White Collar Crime: An Agenda for Research**; Lexington, MA: Lexington Books, 1982.

44. Geis, Gilbert A; White-Collar Crime: What Is It? In White- Collar Crime Reconsidered, edited by Kip Schlegel and David Weisburd, Boston: **Northeastern University Press**, 1992.
45. Simpson, J. A. and E.S.C. Weiner; "the Oxford English Dictionary"; Volume VII, Second Edition, P. **Clarendon Press**, Oxford, 1991.
46. Tanzi, Vito; **Corruption Around The World: Causes Consequences Scope And Cures**; Publisher International Monetary Fund, IMF Working Paper, Washington, D.C, 1998.

